Archive of SID

بسته مدیریتی عوامل کلان ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۰

احسان ذاکرنیا*
مجید زین‌الدینی**

چکیده

تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق نظام بانکی در سال‌های اخیر، باعث ایجاد بحران بالقوه در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا شده است. لازم است پیش از بروز و بالفعل‌شدن بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور برای آن چاره‌اندیشی لازم صورت گیرد و راهکارهای متناسب با اقتضائات بومی کشور ارائه گردد. در این پژوهش مجموعه راهکارهای موجود در سیستم بانکی که جهت مواجهه با عوامل کلان مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری استفاده می‌شوند، برشماری شده و سپس با راهکارهای پیشنهادی تکمیل گردیدند. در ادامه معیارهای مورد نیاز جهت مطلوب و کاربردی‌بودن یک راهکار در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا تبیین شده و تمامی این راهکارها با استفاده از روش تحلیلی توصیفی بر اساس معیارهای راهکار مطلوب، یعنی شرعیت و قانونی‌بودن و بازدارندگی و غیره مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت بسته مدیریتی پیشنهادی جهت استفاده در نظام بانکی کشور که از نظر معیارهای فوق مورد تأیید مدیران عامل بانک‌های کشور قرارگرفته است، ارائه شد؛ به‌گونه‌ای که برای هر یک از عوامل کلان یک یا چند راهکار متناسب با ماهیت آن عامل ارائه شده است.

واژگان کلیدی: *بانک، ریسک اعتباری، عوامل کلان، مالی اسلامی، مدیریت ریسک، نکول.*
طبقه‌بندی JEL: G31, G32, G21, Z12.

*. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول).
Email: ehsanzakernia@gmail.com.
**. مدرس دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش.
Email: zeineddini@yahoo.com.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

توسعه اقتصادی در هر کشوری در گرو استفاده بهینه از سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌ها و پروژه‌های سودآور است. در کشورهای در حال توسعه و بانک‌محوری مانند ج.ا.ا، تسهیلات بانکی مهم‌ترین منبع تأمین مالی پروژه‌ها و درواقع موتور محرکه اقتصاد کشور هستند و سلامت و کارایی نظام بانکی باعث شکوفایی گردیده، بروز مشکل در آن می‌تواند کشور را دچار بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و امنیتی نماید.

یکی از مهم‌ترین مسائل نظام بانکی کشور در سال‌های اخیر مسئله تشدید ریسک اعتباری و به بیان بهتر رسیدن بانک‌ها به مرز بحران اعتباری است. مطابق تعریف یک بانک زمانی با ریسک اعتباری مواجه می‌شود که مشتریان دریافت‌کننده تسهیلات نخواهند یا نتوانند به‌موقع نسبت به بازپرداخت اصل یا فرع تسهیلات دریافتی خود اقدام نمایند و درواقع از انجام تعهدات خود نکول کنند (Saunders, 2011, 9.186).

نمود خارجی ریسک اعتباری در شبکه بانکی پدیده مطالبات معوق است که سیر رشد فاجعه‌بار آن به‌خصوص در سال‌های اخیر، آن را به یکی از مسائل مهم نظام بانکی تبدیل کرده است و لازم است ضمن بررسی دقیق این عوامل جهت مدیریت آنها راهکار مناسب ارائه گردد. اهمیت این پژوهش آنجاست که با وجود اینکه پژوهش‌های متعددی در حوزه ریسک اعتباری و مطالبات معوق صورت گرفته است، در هیچ یک از تحقیقات داخلی و خارجی تلفیقی بین مسائل کمی و فنی و مسائل بومی‌و اسلامی نشده است؛ همچنین نگاه جامع نگر به مجموعه عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری وجود نداشته است. تحقیقات مشابه معمولاً اهتمام خود را به بررسی چند عامل محدود صرف کرده‌اند یا مثلا یک ابزار مدیریت ریسک را معرفی یا از منظر فقهی تحلیل نموده‌اند.

با توجه به سطح اهمیت عوامل کلان مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری در این پژوهش، هدف و انگیزه محقق کمک به نظام اقتصادی کشور از طریق بررسی علل کلان تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق در شبکه بانکی کشور و پیشنهاد راهکارهای مؤثر و متناسب با اصول اسلامی حاکم بر بانکداری بدون ربا در قالب ارائه یک بسته مدیریتی جامع متناسب با نیازهای بومی و اقتصادی کشور است. پرسش اصلی تحقیق عبارت است از اینکه راهکار یا راهکارهای مناسب برای مدیریت هر یک از عوامل کلان

www.SID.ir

Archive of SID

اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم مطالبات معوق در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا کدم‌اند؟ همچنین فرضیه اولیه ما این است که راهکارهای مناسب جهت مدیریت این عوامل بر اساس ماهیت آنها متفاوت بوده و برای هر عامل باید راهکارهای کاربردی مجزا در قالب یک بسته مدیریتی ارائه نمود.

این پژوهش می‌تواند به شناخت دقیق و علمی پدیده ریسک اعتباری و علل بروز مطالبات معوق در شبکه بانکی کشور کمک نماید و به منبعی جامع جهت استفاده پژوهشگران و فعالان عرصه بانکداری کشور مبدل گردد و همچنین با ارائه راهکارهای مناسب و منطبق با اصول اسلامی‌حاکم بر بانکداری بدون ربا سبب کاهش حجم مطالبات معوق و تزریق منابع مالی آزادشده به اقتصاد کشور جهت استفاده بهینه از آنها و تسهیل رشد اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری بانک‌ها از رهگذر ریسک اعتباری گردد. به بیان دیگر اگر تشدید ریسک اعتباری در بانک‌ها به نحو مطلوب مدیریت نشود، می‌تواند باعث بی‌اعتمادی مردم به شبکه بانکی کشور و بروز بحران اعتباری و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور شده و دومینوگونه کل نظام بانکی و اقتصاد را ورشکسته کند.

توجه به موضوع ارائه راهکار مناسب و منطبق با اصول اسلامی‌حاکم بر بانکداری بدون ربا نیز از ضرورت بالایی برخوردار است؛ چراکه برخی راه‌حل‌ها مانند جریمه تأخیر با شبهه‌های شرعی مواجه‌اند و برخی دیگر مانند افزایش سرمایه بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات از طریق افزایش پایه پولی و تزریق پول پرقدرت بانک مرکزی به بانک‌ها نیز نه‌تنها راه‌حلی مقطعی و گذراست، بلکه به‌نوعی پاک‌کردن صورت‌مسئله به حساب می‌آید و صدمات جبران‌ناپذیری را بر اقتصاد کشور وارد می‌کند؛ بنابراین باید راه‌کارهای دقیقی برای این مسئله ارائه گردد که این امر ضرورت انجام این پژوهش را بیشتر نشان می‌دهند.

این مقاله در بخش‌های زیر ساماندهی شده است: در بخش اول مقدمه و تبیین مسئله صورت می‌گیرد. در بخش دوم ادبیات پژوهش ذکر شده و در بخش سوم روش تحقیق مورد استفاده تبیین گردیده است. مبانی نظری مدیریت ریسک و مالی اسلامی پژوهش در بخش چهارم بیان شده و در بخش پنجم معیارهای راهکار مطلوب تبیین می‌گردند و در پایان نیز تحقیق با خلاصه و نتیجه‌گیری و ارائه بسته مدیریتی ریسک اعتباری سامان می‌یابد.

www.SID.ir

Archive of SID

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

زین‌الدین و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش «بررسی عوامل تشدید ریسک اعتباری و ارائه راهکارهای مناسب جهت مدیریت بحران اعتباری در نظام بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران» به شناسایی عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری ادغام عوامل مشابه با استفاده از نظرات خبرگان به روش دلفی پرداخته‌اند و هشت عامل با ماهیت کلان و هفت عامل با ماهیت خرد را به عنوان عوامل اصلی تشدید ریسک اعتباری معرفی نموده‌اند.

موسویان و *موسوی بیوکی* (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی امکان استفاده از سوآپ بازده کل جهت مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی» با تبیین جایگاه بانک در میان نهادهای پولی و انواع ریسک‌های بانکی، ریسک اعتباری را از پرهزینه‌ترین ریسک‌های نظام بانکی معرفی کرده، سوآپ بازده کل را به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده در مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری مورد تحلیل فقهی قرار داده‌اند.

خوانساری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی فقهی امکان به‌کارگیری "سوآپ نکول اعتباری" و "ورق اعتباری" در مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها» استفاده از مشتقات اعتباری یکی از این روش‌ها و «سوآپ نکول اعتباری» و «ورق اعتباری» را از جمله متداول‌ترین مشتقات اعتباری مورد استفاده برای مدیریت ریسک اعتباری دانسته و به بررسی فقهی امکان به‌کارگیری ابزارهای مذکور در نظام بانکداری کشور پرداخته و در تأیید سوآپ نکول اعتباری و دارای اشکال بودن ورق اعتباری را به عنوان نتیجه پژوهش خود بیان می‌دارند.

نظرپور و *رضایی* (۱۳۹۲) در مقاله «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات» به دنبال اثبات این فرضیه هستند که عقود مبادله‌ای ریسک اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها ایجاد می‌کنند. بر اساس یافته‌های این مقاله، عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) اگرچه در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری دربر دارند، اما این عقود نیز واجد

www.SID.ir

Archive of SID

ریسک بوده و بانک‌های اسلامی را در معرض ریسک اعتباری قرار می‌دهند و لازم است مدیریت گردند.

مطالعات خارجی

کبیر و *ورثینگتون* (۲۰۱۵) در مقاله «مقایسه ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف» به تبیین میزان ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته، و یکی از علل بروز ریسک اعتباری در بانک را استفاده صرف از اطلاعات حسابداری افرادی جهت سنجش اعتبار آنها می‌دانند که این مسئله منجر به تصمیم‌گیری‌های غلط در بانکداری اسلامی می‌گردد. آنها معتقدند استفاده از سنجه‌های بازار مبنی بر سنجش ریسک اعتباری افراد مانند مدل فاصله تا نکول مرتون می‌تواند ریسک اعتباری را کاهش دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بر اساس این شاخص ریسک اعتباری بانک‌های اسلامی از بانک‌های متعارف کمتر است؛ درحالی‌که سنجه‌های حسابداری نتیجه معکوسی را نشان می‌دهند.

لوییز و همکاران (Louzis et al., 2012) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل کلان و بانکی مؤثر بر وام‌های غیرجاری در یونان: مطالعه تطبیقی پرتفوی وام‌های رهنی و تجاری و مصرفی» به دنبال تبیین عوامل اقتصادی کلان و ویژه هر بانک که بر افزایش وام‌های غیرجاری در وام‌های رهنی و تجاری و مصرفی مؤثر هستند، بودند. این پژوهش دارای این فرضیه است که هر دو عامل کلان و ویژگی‌های بانک‌ها بر کیفیت وام‌ها مؤثرند و این اثرگذاری در دسته‌های مختلف وام‌ها متفاوت است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که برای همه انواع وام‌ها مطالبات معوق از عوامل کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ بهره و بدهی عمومی) و عوامل مدیریتی خاص بانک‌ها متأثر می‌شوند.

از مجموع یافته‌های تحقیقات داخلی و خارجی انجام‌شده در زمینه ریسک اعتباری و مطالبات معوق بانکی در تقویت ادبیات پژوهش حاضر و استخراج علل اثرگذار بر موضوع و راهکارها و ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری استفاده می‌شود؛ ولی توجه به اصول اسلامی حاکم بر بانکداری بدون ربا در قسمت ارائه راهکار، یکی از وجوه افتراق با تحقیق‌های خارجی محسوب می‌شود. این پژوهش مانند پژوهش‌های گذشته از مطالعات

www.SID.ir

Archive of SID

کتابخانه و نظرات متخصصان در شکل‌دهی مدل خود استفاده می‌کند؛ ولی برای ارائه راهکارهای کاربردی و منطبق با موازین فقهی حاکم بر بانکداری اسلامی از روش توصیفی تحلیلی و ملاک‌های منطقی اجتهادی استفاده می‌کند.

تحقیقات گذشته نگاه جامع نداشته و توجه به مجموعه عوامل به صورت کامل مغفول واقع شده است و فقط به بررسی اثر چند عامل محدود پرداخته‌اند؛ ولی این تحقیق با نگاهی جامع برای ارائه راهکار برای اهم عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری تلاش کرده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است و از حیث ماهیت جزو تحقیقات کیفی و با روش تحلیلی – توصیفی است (خاکی، ۱۳۸۴، ص۷۳). در این تحقیق با مراجعه به متون اقتصادی، حقوقی و فقهی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های منطقی داده‌ها یافته‌های تحقیق حاصل شده‌اند؛ چراکه برای این مهم لازم است به متون مالی، اقتصادی و فقهی مراجعه شود و سپس داده‌های گردآوری شده به صورت منطقی تجزیه و تحلیل گردند. مراد از توصیفی – تحلیلی در برابر توصیفی – تجربی، توصیفی است که مبتنی بر به‌کارگیری ابزارهای منطقی در برابر بررسی‌های تجربی و مشاهده‌ای قرار می‌گیرد. مقصود از تحلیل در اینجا به معنای روشی است که فقط به تحلیل مبانی ساختار و لوازم منطقی موضوع می‌پردازد و با تحلیل منطقی و نه مشاهده و تجربه عینی به شناخت می‌انجامد. درنهایت جهت تأیید نتایج و راهکارها از برخی مدیران عامل بانک‌ها تأییدیه مبنی بر کاربردی و مفیدبودن راهکارها اخذ گردید.

در این پژوهش ابتدا، مسئله پژوهش (ریسک اعتباری بانک‌ها) با استناد به منابع معتبر و ادبیات اقتصاد مالی تبیین می‌گردد. سپس راهکارهایی که جهت مواجهه با ریسک اعتباری در نظام بانکی داخل یا خارج کشور مطرح شده‌اند، شناسایی و با راهکارهای پیشنهادی تکمیل گردید. در ادامه با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی مجموعه راهکارها با معیارهای راهکار مطلوب مورد سنجش قرار گرفته و بنا بر نظر استادان روش تحقیق با استفاده از روش نشست خبرگی بر اساس نظرات برخی مدیران عامل بانک‌های کشور و

www.SID.ir

Archive of SID

اخذ تأییدیه کتبی از آنها در خصوص کاربردی بودن، اهمیت و صحت عوامل مورد تأیید قرار گرفته، در پایان بسته مدیریتی قابل استفاده در نظام بانکی کشور ارائه گردید.

مبانی نظری

عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری

به‌طورکلی عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری به دو گروه کلی عوامل کلان (برون‌زا) و عوامل خرد (درون‌زا) تقسیم می‌گردند. عوامل کلان یا برون‌زا عواملی هستند که از حیطه کنترل یک بانک یا بنگاه خارج بوده و بر همه اقتصاد اثرگذاری می‌کنند. بر عکس عوامل خرد (درون‌زا) عواملی هستند که در حیطه اختیارات و قدرت یک بانک یا بنگاه خاص هستند و بر اثر سوء مدیریت یا مشکلات ذاتی یک بنگاه به وجود می‌آیند و به سایر بانک‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی ارتباطی ندارند (Saunders, 2011).

عوامل کلان (برون‌زا)

بر اساس تحقیقات انجام‌شده عوامل کلان مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری بانک‌ها که نقشی بسیار جدی در تشدید ریسک اعتباری بانک‌های کشور دارند، عبارت‌اند از:

افزایش نرخ ارز (Nursechafia, et al., 2012)؛

افزایش نرخ تورم (Ghosh, 2015)؛

افزایش بازدهی بازارهای موازی و ایجاد انگیزه نکول (Bofondi, et al., 2011)؛

بالابودن نرخ سود تسهیلات (Messai, et al., 2011)؛

بروز و تشدید رکود اقتصادی (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰)؛

تشدید ریسک‌های سیاسی و اقتصادی (صفرپور، ۱۳۹۰)؛

عدم استقلال بانک‌ها و بانک مرکزی (Klomp et al., 2008)؛

مشکلات قانونی و قضایی پیگیری مطالبات بانکی (زین الدین و همکاران، ۱۳۹۶).

پس از برشماری علل مهم اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری لازم است راهکارهای مناسب برای مدیریت هر دسته از عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری و افزایش حجم

www.SID.ir

Archive of SID

مطالبات معوق در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا ارائه گردد؛ همچنین این راهکارها باید معیارهای راهکار مطلوب را دارا باشند.

تجزیه و تحلیل

معیارهای راهکار مطلوب

پس از شمارش علل کلان اثرگذار بر ریسک اعتباری به نظر می‌رسد متناسب با موضوع مورد مطالعه، یعنی نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا و اقتضائات بومی و اسلامی این ساختار لازم است معیارهای مورد نیاز در راهکارهای مطلوب تبیین گردند. هر راهکار جهت مدیریت ریسک اعتباری افزون بر مشروعیت و جواز قانونی باید دارای معیارهای ذیل باشد:

تفکیک بین عوامل تأخیر (اعسار و ناتوانی، تغییر شرایط اقتصادی و موارد تخلف و فرصت‌طلبی)، ایجاد انگیزه پرداخت به‌موقع و بازدارندگی از نکول، جبران خسارت بانک و سپرده‌گذاران بانکی بر اثر نکول، سرعت و سهولت (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۰).

ارائه راهکارهای مطلوب

ناظر به علل کلانی که به عنوان عوامل اثرگذار بر تشدید ریسک اعتباری بیان شدند با بررسی منابع و روال اجرایی بانک‌های داخلی و خالی می‌توان مواردی را به عنوان شیوه‌های بالقوه و بالفعل مواجه با ریسک اعتباری در بانک‌ها برشمرد و قبل‌از قرارگرفتن در بسته نهایی پیشنهادی مدیریت ریسک از نظر معیارهای راهکار مطلوب مورد سنجش قرار گیرند و در صورت رعایت‌کردن این معیارها در بسته نهایی قرارگیرند.

استفاده از پیمان‌های دو جانبه و چندجانبه پولی

با توجه به اینکه ارز و خصوصاً دلار همواره به عنوان ابزاری جهت واردکردن فشارهای سیاسی و اقتصادی به کشور مورد استفاده دشمنان بوده و کنترل آن در اختیار کشور نیست و همچنین یکی از عوامل جدی تشدید ریسک اعتباری است، لازم است تا حد امکان میزان نیاز به ارز در کشور کاهش یابد. یکی از ابزارهای مهم در راستای تحقق این هدف استفاده از پیمان‌های دو جانبه و چندجانبه پولی است که امروزه از اساسی‌ترین و

www.SID.ir

Archive of SID

کارآمدترین راهکارهای مدیریت نرخ ارز کشورهای جهان بوده و به‌وفور (بیش از ۵۴ پیمان دوجانبه و چندجانبه) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این رویکرد جدید، تجارت با استفاده از پول‌های محلی انجام می‌شود.

پیمان دوجانبه یا چندجانبه پولی به لحاظ شرعی محدودیتی نداشته، صرفاً نیازمند ایجاد بسترهای قانونی و انعقاد تفاهم نامه‌های دو جانبه و چندجانبه میان کشورهای طرف تجاری ایران است. در صورت ایجاد بسترهای لازم و اجرای پیمان‌های دو جانبه و چندجانبه پولی از نظر سرعت و سهولت بسیار مطلوب بوده و بسیاری از مشکلات و محدودیت‌های ناشی از مبادلات ارزی را برطرف می‌نماید؛ همچنین به علت تسهیل مبادلات تجاری و افزایش ثبات اقتصادی و اعمال کنترل‌های خاص توسط بانک عامل داخلی و بانک عامل خارجی باعث تفکیک بهتر بین عوامل تأخیر و همچنین کاهش انگیزه نکول و تشویق بازپرداخت به‌موقع تسهیلات می‌گردد؛ چراکه گیرنده تسهیلات در صورت تخلف ادامه فعالیت اقتصادی خود را در سطح بین‌المللی در خطر می‌بیند و از این رهگذر جبران خسارت‌های احتمالی بانک نیز به جهت بازدارندگی بیشتر و همچنین مصونیت از نوسانات نرخ ارز به‌نحو بهتری صورت می‌گیرد.

ایجاد و توسعه مشتقات مالی ارزی

یکی از روش‌های مهم مدیریت نوسانات نرخ ارز، استفاده از مشتقات مالی نظیر پیمان آتی و قرارداد آتی روی نرخ ارز است که هم باعث ارتقای ثبات بازار و امکان برنامه‌ریزی‌های مالی و اقتصادی فعالان بازار می‌شود و هم در کاهش نوسانات بازار نقش مؤثری دارد. این راهکار نیز جزو مجموعه راهکارها و روش‌های مرتبط با مدیریت نوسانات نرخ ارز است که معمولاً عملیاتی‌کردن آنها دشوار و زمان‌بر است. این راهکار از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر مسکوت بوده و از نظر کاهش انگیزه نکول و تشویق بازپرداخت به‌موقع تسهیلات و جبران خسارت‌های بانک به علت افزایش ثبات اقتصادی و کاهش ناتوانی‌های مالی ناشی از نوسانات و افزایش نرخ ارز نیز مطلوب بوده، به بانک کمک می‌کنند.

مشتقات مالی ارزی به لحاظ شرعی و قانونی به شکلی که در نظام مالی متعارف وجود دارند، دارای محدودیت شرعی مانند ممنوعیت بیع کالی به کالی و عدم ایجاد

www.SID.ir

Archive of SID

زیرساخت‌های قانونی لازم بوده و نیازمند انجام تعدیلاتی است. کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار با انجام تعدیلاتی مانند انعقاد قرارداد به صورت تعهد در مقابل تعهد مشکلات فقهی این راهکار را برطرف نموده و جهت ایجاد زیر ساخت‌های حقوقی لازم اقداماتی انجام داده‌اند؛ ولی همچنان خلأها و نقص‌هایی در زمینه ایجاد بازارها و ابزارهای مناسب جهت استفاده در مدیریت نوسانات نرخ ارز با استفاده از مشتقات ارزی وجود دارد. به‌طورکلی می‌توان با استفاده از ظرفیت فقه اسلامی مثلاً قالب حقوقی قراردادهای آتی‌ارزی را به نحوی اصلاح کرد که در کنار حفظ کارکرد اقتصادی ابزار، چالش شرعی آنها برطرف شود.

به منظور برطرف‌نمودن چالش فقهی و حقوقی شکل متعارف قراردادهای آتی، می‌توان قرارداد آتی ارز را در قالب شرعی تعهد بیع در آینده یا عقد صلح طراحی کرد (کمیته فقهی سازمان بورس، ۱۳۹۲). در قالب اول، فروشنده آتی‌ارز بر اساس قرارداد متعهد می‌شود تا در سررسید مشخص، مقدار معینی از یک ارز خارجی را به قیمتی که در زمان حال تعیین می‌شود، بفروشد. در مقابل، خریدار آتی‌ارز متعهد می‌شود که ارز مذکور را با مشخصات ذکرشده خریداری کند؛ همچنین به منظور جلوگیری از امتناع طرفین از انجام قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد، متعهد می‌شوند مبلغی را به عنوان وجه تضمین نزد اتاق پایاپای بورس کالا بگذارند و متعهد می‌گردند متناسب با تغییرات قیمت آتی، وجه تضمین را تعدیل کنند. اتاق پایاپای از طرف آنان وکالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را به عنوان اباحه تصرف در اختیار طرف دیگر معامله قرار دهد و او حق استفاده از آن را خواهد داشت و طرفین در سررسید با هم تسویه خواهند کرد. در این روش، هر یک از متعهد فروش یا متعهد خرید می‌توانند در مقابل مبلغ معینی، تعهد خود را در بازار ثانویه به شخص ثالث واگذار کنند. در این صورت شخص ثالث جایگزین طرفین در انجام تعهدات خواهد شد.

قالب حقوقی دوم (صلح) نیز مشابه قالب اول است. فروشنده آتی‌ارز بر اساس قرارداد صلح، مقدار معینی از ارز خارجی را در مقابل قیمتی معین به خریدار آتی‌ارز صلح می‌کند و متعهد می‌شود ارز مذکور را با مشخصات ذکرشده، در سررسید تحویل دهد. در مقابل،

www.SID.ir

Archive of SID

خریدار آتی‌ارز متعهد می‌شود که ارز مذکور را با مشخصات ذکرشده خریداری کند. وجه‌الضمان نیز به صورت شرط ضمن عقد لازم در قرارداد صلح در نظر گرفته می‌شود.

البته در الگوی منطبق با شریعت، معاملات آتی لازم است علاوه بر شرعی‌بودن متن قرارداد، تدابیری اتخاذ شود تا معاملات در عمل صوری انجام نشود؛ لذا لازم است در آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مواردی ذکر گردد که رعایت این جوانب انجام شود؛ برای مثال در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی باید قید شود که در صورت تمایل خریدار حتماً امکان تحویل ارز وجود داشته باشد، سقفی برای حجم معاملات کل بازار، هر کارگزار و هر فروشنده در نظر گرفته شود تا از شکل‌گیری بحران‌های احتمالی جلوگیری شود و درنهایت، راهکارهایی برای شناسایی فروشنده آتی و میزان اعتبارش تعریف شود.

مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی

مجموعه راهکارها و روش‌های مرتبط با مدیریت نوسانات نرخ ارز از جنسی هستند که معمولاً اجایی‌کردن آنها دشوار و زمان‌بر می‌باشند. این راهکار از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر مسکوت بوده و از نظر کاهش انگیزه نکول و تشویق بازپرداخت به‌موقع تسهیلات و جبران خسارت‌های بانک به علت افزایش ثبات اقتصادی و کاهش ناتوانی‌های مالی ناشی از نوسانات و افزایش نرخ ارز نیز مطلوب بوده و به بانک‌کمک می‌کنند. به لحاظ قانونی و شرعی نیز محدودیتی نداشته و جزو وظایف قانونی و ذاتی شبکه بانکی و بانک مرکزی و از الزامات سیستم اقتصادی کشور است.

کنترل هیجانات رسانه از طریق سیاست‌های رسانه‌ای و ارتقای اعتماد به‌بازار

یکی از معضلات جدی در عرصه مدیریت نرخ ارز در کشور بحث هیجانات ارزی و بی‌اعتمادی به فضای اقتصادی کشور بود که باعث تشدید رفتار سوداگرانه و انباشت ذخایر ارزی کشور توسط مردم شد. لازم است دولت و رسانه‌های گروهی کشور با فرهنگ‌سازی مناسب و اطلاع‌رسانی کافی، سیاست‌هایی را در پیش گیرند که اعتماد نسبت به فضای اقتصادی و ثبات مالی کشور ارتقا یابد و زمینه برای بروز چنین مشکلاتی کاهش یابد.

این راهکار از نظر تطابق با معیارهای راهکار مطلوب مشابه راهکار قبل است.

www.SID.ir

Archive of SID

پذیرش بازار آزاد توسط شبکه رسمی بانکی

متأسفانه هم‌اکنون کنترل بازار آزاد ارز کشور در اختیار صرافی‌های فعال در خارج از کشور (دبی) است؛ لذا در بسیاری مواقع شبکه بانکی و بانک مرکزی امکان نقش‌آفرینی در حد مطلوب را ندارند. لازم است در این رویه تغییرات اساسی ایجاد شود. این راهکار نیز از نظر تطابق با معیارهای راهکار مطلوب مشابه راهکار قبل است.

تعدیل واقعی نرخ ارز

بر اساس روابط اقتصادی و میزان تورم در کشورها پیوسته باید ارزش برابری ارزهای مختلف محاسبه و نرخ تعدیل گردد تا از بروز جهش‌های ناگهانی جلوگیری شود. این راهکار نیز از نظر تطابق با معیارهای راهکار مطلوب مشابه راهکار قبل است.

ایجاد هماهنگی کامل بین بانک‌های کشور

لازم است بانک‌ها در خصوص اتخاذ رویه یکسان در نحوه برخورد با بدهکاران و اصلاح نظام‌های تسهیلاتی و مبادلات اطلاعات سالم، سریع و بدون واسطه شعب درباره مشتریان اقدامات اساسی انجام دهند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۲). از نظر معیارهای راهکار مطلوب، این راهکار شرعی و قانونی بوده و با ارتقای شفافیت و اتصال اطلاعات بانک‌ها به یکدیگر باعث ایجاد بازدارندگی و کاهش انگیزه فساد و تخلف و زیان شبکه بانکی می‌شود. از نظر سرعت و سهولت نیز اجرایی‌کردن آن نیازمند تقویت شورای هماهنگی بانک‌های کشور و ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعاتی است.

استمهال مطالبات به روش مشارکت کاهنده

در این روش بانک پس از بررسی شرایط متقاضی و کارشناسی پرونده و اطمینان از اینکه مشتری جزو سوءاستفاده‌کنندگان از منابع بانک نبوده، در گروه فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت قرار دارد، کل مطالبات بانک از مشتری شامل اصل و سود تسهیلات پرداختی حال شده و بر این اساس میزان مطالبات بانک تعیین می‌گردد. مشتری نیز جهت معرفی دارایی خود به بانک اقدام می‌کند. عمر مفید دارایی معرفی‌شده دست کم باید با مدت قرارداد مشارکت برابر باشد. در مرحله بعد بانک نسبت به ارزیابی دارایی توسط

www.SID.ir

Archive of SID

کارشناسان بانک یا کارشناس رسمی دادگستری اقدام می‌کند. پس از مشخص‌شدن مبلغ ارزیابی، کل سرمایه مشارکت مشخص شده و با توجه به مبلغ بدهی مشتری، بانک درصد سهم‌الشرکه خود را به صورت نقدی تعیین می‌نماید. درصد سهم‌الشرکه مشتری نیز مشخص و به صورت غیرنقدی در قرارداد قید می‌گردد و بانک با مشتری شریک می‌شود. با توجه به اینکه بانک با عقد مشارکت مدنی کاهنده و با شرط ضمن عقد در اموال معرفی‌شده مشتری شریک می‌شود، با واگذاری بخشی از سهم‌الشرکه بانک به شریک، در هر مرحله سهم مشتری در دارایی افزایش و سهم بانک کاهش می‌یابد. ضمناً بانک در طول دوره مشارکت، سهم‌الشرکه خود را به مشتری اجاره داده، پیشنهاد می‌شود با توجه به سادگی و عدم اشکال فقهی اجاره به شرط تملیک از این مدل جهت تعیین اجاره‌بها استفاده گردد. در پایان قرارداد، در صورت ایفای تعهدات مشتری، سهم بانک از دارایی به مشتری انتقال یافته و مشتری مالک کل دارایی می‌گردد و بدین طریق تسهیلات مشتری تسویه می‌گردد (موسویان و همکاران، ۱۳۹۳، ص۳۹۷-۴۰۶).

از جهت تفکیک بین عوامل تأخیر هم پیش‌فرض این روش آن است که این ارزیابی و بررسی توسط بانک انجام می‌شود و استمهال مطالبات معوق فقط برای آن دسته از مشتریان بانکی اعمال می‌شود که دارای مشکل موقت و مقطعی هستند. چون تمامی روش‌ها دارای نرخ سود و درواقع نوعی تسهیلات جدید هستند و مشتریان تمایلی به پرداخت سود و جریمه ندارند، از بازدارندگی کافی نیز برخوردارند. پرداخت سود و جریمه خسارت‌های وارده بر بانک را نیز به میزان مناسبی پوشش می‌دهد. پس از این منظرها نیز مشکلی وجود ندارد. به لحاظ شرعی هم عقد مشارکت مدنی از انواع قراردادهای اسلامی‌است و فقها در خصوص صحیح‌بودن این عقد اتفاق نظر دارند و با توجه به اینکه این راهکار بر اساس عقد مشارکت مدنی طراحی شده و این عقد در قانون عملیات بانکی بدون ربا وجود دارد، مشکلات قانونی نیز نداشته و در تمامی بخش‌های اقتصادی شامل صنعت، کشاورزی، ساختمان و غیره کاربرد دارد و تمامی مشتریان بانکی حداقل یک دارایی یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها جهت استفاده در این راهکار را دارا می‌باشند؛ بنابراین از این نظر قابل استفاده است و جبران خسارات بانک و بازدارندگی از تخلف و نکول در مشتریان را نیز محقق می‌کند. از نظر مدت زمان، این شیوه برای استمهال مطالبات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و

www.SID.ir

Archive of SID

بلندمدت مشتریان قابلیت استفاده دارد؛ لذا این راهکار می‌تواند به عنوان شیوه مطلوب استمهال در شبکه بانکی مورد استفاده قرار گیرد.

جریمه دیرکرد

جریمه تأخیر یکی از متداول‌ترین شیوه‌های مقابله با ریسک اعتباری در همه بانک‌های دنیا از جمله نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا است. در قراردادهای بانکی کشور مادّه‌ای به این صورت وجود دارد که: «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل اصل بدهی، مبلغی به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت» (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳-۱۱۴).

به لحاظ قانونی بر اساس نظر فقهای شورای نگهبان جریمه تأخیر تادیه در قانون عملیات بانکی ایران تعریف شده است و از این نظر مشکلی ندارد. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر، این راهکار ضعیف بوده و با همه افراد به دید متخلف برخورد می‌نماید و شاید بتوان گفت که از میان عوامل تأخیر تنها معسرین را جدا می‌کند که آن نیازمند طی مراحل دشوار اثبات اعسار است. به لحاظ ایجاد انگیزه و بازدارنگی و همچنین جبران خسارتهای وارده بر بانک اگر نرخ سود تسهیلات به صورت غیرواقعی و غیرمتناسب با نرخ تورم و نرخ بهره واقعی بازار تعیین شده باشد، این راهکار مطلوب نخواهد بود و بانک تنها یک نوع از خسارت‌های وارد را دریافت می‌کند و خسارت‌های دیگر به‌ویژه خسارت ناشی از عدم نفع و فرصت‌های سرمایه‌گذاری سوخت‌شده را نمی‌تواند دریافت کند؛ ولی اگر نرخ تسهیلات متناسب با تورم و نرخ بازدهی بازار باشد، این راهکار هم بازدارندگی لازم را دارد و هم باعث جبران خسارت‌های بانک و سپرده‌گذاران می‌گردد. به لحاظ سرعت و سهولت این راهکار بسیار مناسب است؛ چون به صورت سیستمی و روزانه یک نرخ جریمه را به حساب مشتری اضافه می‌کند که بسیار ساده و کاراست؛ اما نسبت به مشروعیت این راهکار بین علما اختلاف نظر وجود دارد که در ادامه به تبیین این مسئله خواهیم پرداخت. به‌طورکلی دو دیدگاه میان علما در مورد مشروعیت جریمه تأخیر وجود دارد:

www.SID.ir

Archive of SID

از نظر گروه اول از فقها، اصلی‌ترین مشکل جریمه تأخیر مسئله ربوی‌بودن اشتراط جریمه دیرکرد است. گنجانیدن شرط جریمه تأخیر در قراردادها، این اجازه را به بانک‌ها می‌دهد که در صورت عدم پرداخت به‌موقع اقساط و بدهی‌ها، مبلغی را افزون بر مبلغ اصلی دین، به عنوان جریمه تأخیر از مشتریان دریافت کنند. به عبارت دیگر بانک‌ها با دریافت این مبلغ، به گیرندگان تسهیلات اجازه می‌دهند که بازپرداخت اقساط خویش را به تعویق انداخته، در مقابل، بدهی خود را همراه با مبلغی اضافه‌تر در تاریخی دیرتر از موعد مقرر پرداخت کنند که این یکی از اقسام ربا (ربای در دین یا ربای جاهلی) است.

در مقابل طرفداران مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد، ربوی‌بودن آن را منتفی دانسته‌اند؛ زیرا باور دارند بانک، جریمه را در برابر امهال به مشتری دریافت نمی‌کند تا مصداق ربای جاهلی باشد؛ بلکه در فرض تأخیر، مشتری متخلف موظف است افزون بر مبلغ جریمه، بدهی خویش را نیز فوراً پرداخت کند؛ به بیان دیگر بانک‌ها در ضمن قراردادهای مالی خود، شرطی را می‌گنجانند که بر اساس آن، مشتریان متعهد می‌شوند دیون خود را در سررسید مقرر تأدیه کنند و در غیر این صورت، جریمه پرداخت کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص۱۹۶). با این بیان معنای شرط کیفری یا وجه التزام، اجبار و الزام مشتری به اجرای مفاد قرارداد است. به عبارت دیگر این شرط، مجازاتی است که دو طرف قرارداد در عقد تعیین می‌کنند تا هر کدام از آنها که از مفاد عقد یا تعهد و التزامات پذیرفته‌شده در عقد تخلف کنند، مبلغی را به طرف مقابل بپردازد. در شرط جریمه دیرکرد هدف بانک از آوردن چنین شرطی ممانعت از تأخیر مشتری در بازپرداخت به‌موقع بدهی است؛ بنابراین اگر بدهکار بدهی خود را به‌موقع ادا کند و در بازپرداخت آن کوتاهی نکند، هیچ مبلغی اضافی‌تر از رأس‌المال از وی گرفته نمی‌شود. درحقیقت رکن اساسی که در ربا وجود دارد، این است که مال به‌دست‌آمده حاصل عرض معامله یا از توابع آن باشد و سببی جداگانه و مستقل نتوان برای به‌دست‌آمدن آن مال فرض کرد؛ درحالی‌که درباره مسئله دریافت جریمه می‌توان سبب مستقل، یعنی تخلف از شرط برای آن در نظر گرفت. همان‌طورکه می‌توان از روش‌های دیگر ضمانت اجرای قرارداد مانند درخواست ضامن، وثیقه و کفیل برای الزام بدهکار به تأدیه دین در سررسید مقرر وی را متعهد کرد که در صورت نقض عهد و تخلف از پرداخت به‌موقع، مبلغی را به عنوان جریمه بپردازد

www.SID.ir

Archive of SID

(آهنگران و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۸۸-۱۹۲). سایر تفاوت‌های ماهوی که می‌توان برشمرد نیز بدین صورت‌اند:

درحقیقت معنای حقیقی خسارت تأخیر، زیانی است که در اثر تأخیر به بار آمده و مدیون، افزون بـر رد اصـل پول باید آن را جبران کند. طبق این تعریف، خسارت تأخیر تأدیه دایر مدار زیان است و به منظور جبران زیان‌های وارده به بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری از متخلفان دریافت می‌شود؛ اما جریمه دیـرکرد، تنبیه و جریمه مالی است که از مشتری متخلف به علت نقض تعهد یا کوتاهی در ادای تکلیف شرعی دریافت می‌شود، بدون توجه به مقدار خساراتی که از ناحیه تأخیر تأدیه متوجه بانک شده است (همان).

بانک‌ها از روش جریمه تأخیر بر مبنای وجه التزام به عنوان روشی برای تنبیه و مجازات مـشتریان مـتخلف و جلوگیری از تکرار بهره می‌گیرند نه به عنوان جهت کسب درآمد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص۱۰۲).

دریافت جـریمه دیـرکرد فقط در صورت اشتراط آن در قرارداد ممکن است؛ اما مطالبه خسارت تأخیر از مشتریان حتی بدون اشتراط آن در قرارداد، امکان‌پذیر اسـت (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ص۳۰۶). مقدار جریمه به توافق و تـراضی طـرفین قرارداد بستگی دارد؛ اما مقدار خسارت تأخیر تأدیه به مـیزان خـسارت‌هایی که درواقع به طلبکار تـحمیل شـده، بستگی دارد (آهنگران و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۹۲).

بنابراین لحاظ ماهیت تنبیهی برای جریمه دیرکرد، طبیعت آن را از مسئله خسارت تأخیر تأدیه جدا می‌سازد؛ زیرا خسارت تأخیر تأدیه خسارتی اسـت که بر اثر تأخیر در پرداخت و تأدیه دین حاصل می‌شود و از این بابت باید از طرف مدیون باید به دائن داده شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص۴). پس بر اساس تفاوت‌هایی که بین جریمه دیـرکرد بـر مـبنای شرط کیفری مالی (وجه التزام) و خسارت تأخیر تأدیه وجود دارد و باتوجه به اینکه این تـفاوت‌ها باعث تفاوت حکم شرعی آنها می‌شود، به نظر می‌رسد دریافت جریمه تأخیر در عقدهای بانکی بر اساس مبنای شرط کیفری مالی مشتری متخلف صحیح و مشروع باشد و درنتیجه این راهکار به لحاظ شرعی با محدودیتی مواجه نبوده و قابل استفاده است.

www.SID.ir

Archive of SID

تعزیر مالی متخلف

گیرندگان تسهیلاتِ بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با تأخیر در پرداخت اقساط و نقض تعهدات مالی خود، افزون بر ضرر و زیان مالی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری، آسیب‌های غیرقابل جبران اجتماعی و اقتصادی به کل جامعه وارد می‌کنند. حاکم شرع می‌تواند برای حفظ مصالح اجتماع، این عده از پیمان‌شکنان را همانند سایر معصیت‌کاران تعزیر کند و یکی از انواع تعزیر، مجازات مالی است.

تعزیر مالی مشتریان پیمان‌شکن جنبه کیفری دارد و از جهت شیوه اجرا به صورت‌های مختلف تصویر و پیشنهاد شده است: مجازات مالی متخلف به نفع بیت‌المال، تشکیل صندوق خیریه، تشکیل صندوق حمایت از طلبکاران، تفویض امر قضایی به بانک‌ها، الزام متخلف به قرض بدون بهره به میزان تخلف (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳-۱۱۴).

درباره مشروعیت بین مدل‌های مختلف اختلاف وجود دارد؛ درحالی‌که مجازات مالی متخلف توسط محاکم به نفع بیت‌المال و صندوق خیریه و تشکیل صندوق حمایت از طلبکاران مورد پذیرش همگان است، برخی از مراجع با روش تفویض امر قضایی به بانک مخالفت کرده، آن را جایز نمی‌دانند و معتقدند تعزیر مالی متخلف فقط باید به وسیله حاکم شرع انجام شود و بانک چنین شأنیتی ندارد. همچنین عده‌ای از علما الزام متخلف به دادن قرض بدون بهره به میزان تخلف را مانند جریمه تأخیر مصداق ربا می‌دانند که بر اساس مبنای مختار ما که در قسمت پیشین ارائه شد، این ایراد قابل پاسخ‌دهی است. از نظر قانونی نیز این راهکار شدنی است؛ چراکه اصل تعزیر مالی متخلف ممنوعیت شرعی ندارد؛ لذا در برخی کشورهای اسلامی بسترهای قانونی لازم برای آن طراحی و اجرا شده است و در کشور ما نیز این امکان وجود دارد.

از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر این راهکار در تمامی مدل‌ها به‌جز حالت تفویض امر قضایی به بانک‌ها مطلوب می‌باشد؛ چراکه در محاکم بر اساس وضعیت متخلفان حکم تعزیر صادر می‌شود و به‌طورطبیعی انتظار می‌رود بین عوامل تأخیر و افراد خاطی و غیرخاطی تفکیک قائل شود؛ اما در حالت تفویض امر قضایی به بانک‌ها، چون بانک‌ها ذی‌نفع‌اند، حساسیتی بین موارد اعسار با غیر آن ندارند و این می‌تواند منشأ ایجاد انحرافاتی شود.

www.SID.ir

Archive of SID

تمامی شیوه‌های راهکار تعزیر مالی برای پرداخت به‌موقع بدهی ایجاد انگیزه مـی‌کنند؛ چراکه بدهکار در هر صورت جریمه مالی خواهد شد و این مطلب اثـر بـازدارندگی از تـخلف دارد؛ هرچند راهکار مدل‌های مختلف این راهکار تفاوت‌هایی دارند؛ مثلاً راهکار الزام متخلف به پرداخت قرض بدون بهره انگیزانندگی بسیار کمی برای جلوگیری از تخلف دارد؛ چراکه فرد خاطی در صورت تخلف تنها لازم است مقداری قرض بپردازد و با توجه به شرایط تورمی حاکم بر جامعه و کاهش ارزش پول تخلف‌کردن کاملاً دارای توجیه اقتصادی است. از نظر جبران خسارت‌های واردشده به بانک روش مجازات مالی متخلف توسط محاکم به نفع بیت‌المال و صندوق خیریه مطلوب نبوده و خسارت‌های بانک جبران نمی‌شود؛ ولی تشکیل صندوق حمایت از طلبکاران به جهت پرداخت طلب بانک‌ها از محل منابع صندوق می‌تواند بخشی از خسارت‌های واردشده به بانک را جبران کند؛ همچنین الزام متخلف به دادن قرض بدون بهره هم به علت دسترسی بانک به منابع ارزان‌قیمت هم می‌تواند درصدی از خسارت‌های بانک را جبران کند؛ ولی در کل این راهکار از این نظر مطلوب نیست؛ اما تفویض امر قضایی به بانک‌ها به علت دادن اختیارات کافی به بانک جهت تعزیر مالی متخلفان از نظر جبران خسارت‌های بانک مطلوب است. از نظر سهولت و سرعت کلیه راهکارهای تعزیر مالی به دلیل اینکه مبتنی بـر تـشکیل پرونـده قضایی و طی مراحل قضایی هستند، مشکلات و هزینه‌ها و زمان‌بری زیادی دارند؛ اما شیوه چهارم که توسط خود بانک اجرا می‌شود، نسبت به سایر موارد سـریع‌تر، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است.

مدیریت و کاهش نرخ تورم

معضل تورم همواره یکی از مشکلات اساسی اقتصادی ایران بوده و هست و اجرایی‌کردن راهکاری مربوط به مدیریت این مشکل معمولاً دشوار و بلندمدت و میان مدت هستند. در کوتاه‌مدت می‌توان به راه حل و روش‌های زیر جهت کنترل تورم اشاره کرد:

الف) جلوگیری از رشد بی‌رویه نقدینگی (مصباحی مقدم، ۱۳۸۷).

ب) اجرای قانون در مورد وجوه دولتی در بانک‌ها و بلوکه‌کردن ۸۸ درصد آنها به منظور جلوگیری‌کردن از رشد نقدینگی از طریق این وجوه (همان).

www.SID.ir

Archive of SID

پ) کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت و افزایش انضباط مالی در دولت به منظور کاهش کسری بودجه (همان).

ت) افزایش حقوق کارمندان به صورت پلکانی با میانگین کمتر از نرخ تورم. افزایش حقوق کارمندان جهت تسهیل شرایط زندگی افراد و ایجاد رفاه اجتماعی یکی از وظایف دولت‌هاست؛ ولی از سوی دیگر افزایش حقوق به خودی خود برابر است با افزایش نرخ تورم که باعث کاهش توان مالی افراد می‌شود؛ لذا همواره باید افزایش حقوق به‌گونه‌ای انجام شود که اثرات تورمی‌کمتری به دنبال داشته باشد (همان).

ث) نظارت بر مصرف وجوه بانک‌ها. لازم است نظارت دقیق بر مصرف وجوه بانکی که به صورت تسهیلات در اختیار متقاضیان و خصوصاً طرح‌های زودبازده اقتصادی قرارمی‌گیرد، انجام گیرد و اطمینان حاصل شود که از انتقال این وجوه به سوی دلالی و خرید مسکن و زمین و غیره که یکی از عوامل افزایش تورم است جلوگیری می‌شود (همان).

ج) اشتغالزایی و افزایش تولید فعالان اقتصادی (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱).

چ) فضاسازی روانی و دادن پیام‌های مثبت ضدتورمی توسط دولت و رسانه ملی جهت کاهش انتظارات تورمی (دهمرده و کسایی، ۱۳۹۰، ص۱۷۵).

ح) کاهش اتکای بودجه دولت به‌ویژه در هزینه‌های جاری به درآمد نفت تا حد صفر (مصباحی مقدم، ۱۳۸۷).

خ) مدیریت بهینه درآمدهای نفتی دولت (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱).

د) توزیع کالاها و خدمات به صورت مدرن و حذف واسطه‌های غیرضروری تا حد امکان (مصباحی مقدم، ۱۳۸۷).

ذ) ارتقای سطح رقابت و بهره‌وری اقتصادی (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱).

ر) تقویت و اصلاح جایگاه بورس کالا.

مجموعه راهکارهای ارائه‌شده در این گروه از نظر قانونی و شرعی محدودیتی نداشته و بر اساس قوانین برنامه توسعه و اسناد بالادستی و ... نیز بخشی از وظایف و اختیارات قانونی دولت و بانک مرکزی و بانک‌ها هستند. این راهکارها از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و کاهش انگیزه نکول و ایجاد انگیزه پرداخت به‌موقع در بدهکاران مسکوت

www.SID.ir

Archive of SID

می‌باشند. از نظر جبران خسارت‌های بانکی نیز به جهت جلوگیری از نکول‌های آتی به علت افزایش ثبات اقتصادی و کاهش رکود اقتصادی و جلوگیری از کاهش توان مالی گیرندگان تسهیلات و ورشکستگی آنها مطلوب است.

استفاده از مشتقات اعتباری

مشتقات اعتباری اوراق بهاداری هستند که از آنها برای مدیریت ریسک اعتباری استفاده می‌شود. این اوراق اشکال مختلفی دارند که می‌توان آنها را در دو گروه طبقه‌بندی کرد:

۱. مشتقات اعتباری سرمایه‌بر: در یک مشتقه اعتباری سرمایه‌بر، در ابتدای قرارداد، پرداختی از جانب فروشنده حمایت به خریدار حمایت انجام نمی‌گیرد؛ بلکه به هنگام وقوع پیشامد اعتباری، فروشنده حمایت، زیان خریدار حمایت را جبران خواهد کرد که این کار، سازوکارهای مختلفی دارد. متداول‌ترین نوع مشتقات اعتباری سرمایه‌بر «تاخت نکول اعتباری» است (آنسون و همکاران، ۲۰۰۴).

۲. مشتقات اعتباری سرمایه‌زا: در یک مشتقه اعتباری سرمایه‌زا، خریدار اوراق (سرمایه‌گذار)، فروشنده حمایت اعتباری است و با خرید مشتقه اعتباری، ارزش اسمی آن را به خریدار حمایت (سرمایه‌پذیر) پرداخت می‌کند؛ بنابراین خریدار حمایت، ناشر مشتقه اعتباری است. مشهورترین نوع مشتقات اعتباری سرمایه‌زا «ورق اعتباری» است.

به لحاظ قانونی فعلاً زیرساخت‌های لازم برای این سازوکار و ابزارها در بازار وجود ندارد؛ ولی جهت ایجاد این زیرساخت‌ها مانعی وجود ندارد. از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و ایجاد انگیزه و بازدارنگی هم سالبه به انتفاع موضوع است؛ چون استفاده از این سازوکار بانک را به صورت کلی بیمه می‌کند و نیازی به تفکیک بین مشتریان وجود ندارد. به لحاظ جبران خسارت این راهکار بسیار اثربخش بوده و زیان‌های بانک را به صورت کامل پوشش می‌دهد. از نظر سرعت و سهولت هم در صورت ایجاد زیرساخت‌های لازم و بازار مشتقات کارا و پررونق در کشور استفاده از این ابزار به‌آسانی و سرعت بسیار بالایی خواهد بود؛ اما بحث شرعی این ابزار نیازمند بررسی است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

همان‌گونه‌که ذکر شد، دو نوع بسیار متداول از مشتقات اعتباری تاخت (سوآپ) نکول اعتباری و ورق اعتباری هستند. بر اساس مبانی فقهی شیعه قائل به اصالةالصحه و

www.SID.ir

Archive of SID

غیرتوقیفی‌بودن عقود هستیم و صرف جدیدبودن این قراردادها مشکلی ایجاد نمی‌کند (موسوی بـجنوردی، ۱۳۷۳). پس این قراردادها را بر اساس ضوابط فقهی باب معاملات بررسی می‌کنیم. اگر این ضوابط را رعایت کردند، قائل به مشروعیت آنها می‌شویم؛ در غیر این صورت امکان استفاده از آنها در نظام بانکداری بدون ربای ج.ا.ا وجود ندارد.

ربا: ممکن است در مورد قرارداد تاخت نکول اعتباری، این‌گونه مطرح می‌شود که بیمه‌گذار مبلغ بیشتر یا کـمتری را در ازای جریان‌های نقدی ثابت می‌پردازد و احـتمال کـمی وجود دارد کـه مـبلغ پرداخـتی دقیقاً برابر جریان‌های نقدی ثابت بـاشد؛ ازاین‌رو این قرارداد نوعی ربای قرضی است. همان‌طورکه قبلاً ذکر شد، بیمه‌گذار، خریدار تاخت نـکول اعـتباری را در مقابل دریافت جریان‌های نقدی ثابت بـیمه می‌نماید و درواقع آنچه در مقابل مـبلغ پرداختی قرار می‌گیرد، تأمین و تضمین خـسارت احـتمالی است ازاین‌رو قرارداد تاخت نکول اعتباری شبیه به پرداخت یک وام نیست و طرفین قصد پرداخـت و دریـافت وام را ندارند. از سوی دیگر پرداخت اضـافی در ربـا بـر مبنای زمان است؛ اما در قرارداد مـورد بحث، زمان تأثیرگذار نبوده و بـزرگی رویـداد اعتباری تعیین‌کننده پرداخت خسارت به فروشنده تاخت نکول اعتباری است.

اما در مورد ورق اعتباری، این اوراق با دو هدف منتشر می‌شوند: تأمین مالی و پوشش ریسک اعتباری. در نقل و انتقال اوراق اعتباری، ناشر (خریدار حمایت اعتباری) وجوه مورد نیاز خود را تا سررسیدی معین- مثلاً یک سال- از سرمایه‌گذار (فروشنده حمایت اعتباری) دریافت می‌کند و کوپن‌های ثابت- مثلاً ماهانه- به او پرداخت می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به پرداخت مبالغ ثابت دوره‌ای و مبلغ اسمی در سررسید- (در صورت عدم وقوع پیشامد اعتباری- از جانب خریدار حمایت، ورق اعتباری ماهیت اوراق قرضه معمولی را دارد و اشکال ربوی‌بودن در این اوراق وارد است (همان، ص۱۳۴)؛ پس ورق اعتباری قابل استفاده نیست و دیگر به بررسی آن نمی‌پردازیم.

تعلیق عقد: ممکن است ادعا شود که مثلاً تاخت نکول اعتباری قراردادی معلق است؛ زیرا پرداخت زیـان در این قرارداد معلق به وقوع رویداد اعتباری است. در پاسخ به این ادعا بـاید گفت آنچه موجب بطلان عـقد اسـت، تعلیق در اصل عقد و مقام انشاست؛ ولی در تعلیق در متعلق عقد موجب بطلان آن نیست. پس در قرارداد تاخت نکول اعتباری،

www.SID.ir

Archive of SID

اعتباردهنده (خریدار تاخت نکول اعتباری) مبالغ ثابتی را به شرکت بیمه یا صندوق بازنشستگی (فروشنده تاخت نکول اعتباری) پرداخت و در قبال این مبالغ، در مقابل خطر ناشی از ریسک اعتباری طرف سوم (اعتبارگیرنده) ایمنی و اطمینان دریافت می‌نماید. درنتیجه از ابتدای قرارداد، همه چیز منجز، قطعی، مشخص و بدون تعلیق است؛ پس از این نظر خدشه‌ای به قرارداد وارد نمی‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷، ص۶۱).

غرری‌بودن: ممکن است این ایراد مطرح شود؛ یعنی طرفین قرارداد نسبت به وقوع یا عدم وقوع رویداد اعتباری بی‌اطلاع هستند؛ زیرا از سویی نسبت به پرداخت فروشنده تاخت نکول اعتباری به خریدار آن به دلیل عدم اطمینان از وقوع رویداد اعتباری نااطمینانی وجود دارد و از سوی دیگر مبلغ پرداختی توسط فروشنده تاخت نکول اعتباری به خریدار این تاخت هم در زمان انعقاد قرارداد مشخص نیست. در پاسخ باید گفت که در قبال پرداخت مبالغ ثابت از سوی خریدار تاخت نکول اعتباری، فروشنده نسبت به جبران زیان ناشی از وقوع رویداد اعتباری متعهد می‌شود؛ ازاین‌رو شرایط قرارداد از جمله ثمن و مثمن، هدف از انجام عقد و چگونگی تسویه کاملاً مشخص و بدون عدم اطمینان است (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۱، ص۱۲۹).

حرمت اکل مال به باطل: به نظر می‌رسد ازآنجاکه قرارداد تاخت نکول اعتباری در دنیای کنونی بر اساس نیازهای جدید شکل گرفته و منافع عقلایی و منطقی بر آن متصور است و حمایت و اطمینان خاطر از نظر عقلا و عرف دارای ارزش مالی است، از نظر اکل مال به باطل مشکلی وجود ندارد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷، ص۶۳).

حرمت قمار: یکی دیگر از مواردی که ممکن است در مورد تاخت نکول اعتباری ذکر شود، این است که این ابزار مالی شبیه قمار است؛ چراکه خریدار تاخت نکول اعتباری مبلغ زیادی را در قبال پرداخت اندک به فروشنده تاخت دریافت می‌دارد؛ از سوی دیگر فروشنده تاخت نیز امیدوار به عدم پرداخت خسارت به خریدار تاخت است تا از دریافت جریان‌های نقدی ثابت سود برد؛ لذا در اینجا نوعی ریسک و خطر وجود دارد. درنتیجه مشابه قمار در قرارداد تاخت نکول اعتباری نیز کسب سود در ازای احتمال ضرر و زیان است. همان‌گونه‌که می‌دانیم، بین ریسک و مفاهیم مشابه تفاوت وجود دارد و اساساً هر معامله‌ای همراه با ریسک است و این به منزله غیرشرعی‌بودن آنها نیست. ریسک در

www.SID.ir

Archive of SID

مضاربه، مرابحه، اجاره، استصناع و سایر قراردادهای اسلامی و غیراسلامی نیز وجود دارد؛ لذا صرف تشابه میان قمار و تاخت نکول اعتباری باعث حرمت نمی‌گردد؛ بلکه قمار در جایی تعریف می‌شود که غرض عقلایی وجود ندارد و احتمال برد یا باخت ۵۰-۵۰ است. تفاوت دیگر بین قمار و قرارداد تاخت نکول اعتباری این است که قمارباز بعد از برد در قمار و کسب سود در وضعیت بهتری خواهد بود؛ اما در قرارداد تاخت نکول اعتباری خریدار اعتبار بعد از دریافت خسارت از فروشنده در وضعیتی مشابه حالت قبل قرار می‌گیرد. پس از این نظر هم خللی به این قرارداد وارد نمی‌شود (همان).

ممنوعیت ضرر: ایراد بعدی متصور بحث ضرری‌بودن مشتقات اعتباری است. در قرارداد تاخت نکول اعتباری، گرچه ممکن است یکی از دو طرف قرارداد درنهایت با ضرر از قرارداد خارج شود، ولی این ضرر به دلیل ماهیت قرارداد نیست، بلکه آنچه در این قرارداد موضوعیت دارد، حمایت اعتباری است که در نتیجه قرارداد حاصل می‌شود. حال ممکن است این حمایت، با سود یا زیان برای هر یک از دو طرف همراه باشد. درمجموع ماهیت این قراردادبه‌گونه‌ای نیست که موجب ضرر دو طرف شود، حتی در برخی موارد بانک‌یا هر مؤسسه‌ای که از این قراردادبرای پوشش ریسک اعتباری خود استفاده می‌کند، از خطر ورشکستگی و از دست دادن اعتبار و آبروی خود رهایی می‌یابد. از سوی دیگر اثرات مثبت این قرارداد بر فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه برای بانک‌ها نشان می‌دهد که این نوع قرارداد درمجموع موجب واردشدن ضرر به جامعه نمی‌گردد. برای مثال کاربرد این قرارداد می‌تواند موجب کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها، تنظیم بازده پرتفوی‌های اعتباری و کاهش تاثیر چرخه اقتصادی بر بنگاه‌ها شود. بنابراین درمجموع می‌توان گفت ضرری‌بودن قرارداد تاخت نکول اعتباری منتفی است (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۱، ص۱۳۱).

درمجموع می‌توان نتیجه گرفت که تاخت نکول اعتباری دارای ویژگی‌ها و شرایط یک قرارداد صحیح از نظر شرعی است و از نظر معیارهای عمومی فقهی قراردادها صحیح بوده و می‌تواند به عنوان یک ابزار مدیریت ریسک در نظام بانکی مورد استفاده قرار گیرد؛ ولی ورق اعتباری به علت مشکل ربوی‌بودن قابلیت استفاده در نظام بانکی ج.ا.ا را ندارد.

www.SID.ir

Archive of SID

استفاده از سازوکار بیمه سپرده‌ها

بیمه سپرده یکی از سازوکارهایی است که از سوی دولت‌ها و بانک‌ها به منظور افزایش امنیت داخلی سامانه‌های بانکی و همچنین برای حمایت از سپرده‌گذاران کوچک در زمان ورشکستگی بانک‌ها به کار گرفته شده است. این حمایت سبب می‌شود در صورت وقوع هر گونه مشکل کل یا بخشی‌از سپرده‌ها تحت پوشش بیمه سپرده باشد و به سپرده‌گذاران پرداخت شود و از بروز بحران‌های اعتباری جلوگیری شود.

این راهکار نیز به لحاظ شرعی و قانونی مشکلی ندارد؛ ولی نسبت به تفکیک بین عوامل تأخیر و انگیزه ساکت است؛ هرچند خسارت‌های سیستم بانکی را پوشش داده، از بحران‌های احتمالی جلوگیری می‌کند. عملیاتی‌کردن آن نیز بسیار ساده بوده و هم اکنون نیز اقداماتی مانند سایر کشورهای دنیا در این حوزه صورت گرفته است.

پیگیری حقوقی

رجوع به محاکم قضایی جهت وصول مطالبات بانکی و همچنین پیگیری حقوقی در موارد ادعای اعسار و ناتوانی از پرداخت بدهی و تسویه حساب بر اساس قوانین اعسار و ورشکستگی یکی دیگر از راهکارهای مواجهه با ریسک اعتباری است (موسویان، ۱۳۸۶، ص۱۱۳-۱۱۴). پیگیری حقوقی پرونده‌های مربوط به مطالبات معوق بانک‌ها جزو حقوق قانونی و شرعی هر بانکی است و از این نظر کاملاً صحیح هست. طی مراحل قانونی و گرفتن حکم دادگاه درباره هر پرونده قطعاً تفاوت‌های بین متخلفان را نیز لحاظ می‌کند و بین افراد ورشکسته و معسر و متخلفان تفاوت قائل می‌شود؛ چون پرونده‌ها مورد به مورد بررسی می‌شوند. به لحاظ ایجاد انگیزه و بازدارندگی و جبران خسارت بانک نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. در بسیاری از موارد طی‌کردن مراحل قانونی و حقوقی وصول مطالبات بانک به قدری طولانی و زمان‌بر می‌شود که ارزش طلب به علت شرایط تورمی جامعه به مرور زمان کاهش می‌یابد و در صورت پیروزی در دعوای حقوقی هم حقوق بانک استیفا نمی‌گردد؛ چراکه هم لازم است هزینه‌های زیادی را صرف طی مراحل قانونی کند و هم گذر زمان ارزش بدهی را کاهش می‌دهد؛ پس در بسیاری موارد بازدارندگی کافی در این راهکار وجود ندارد و خسارت‌های واردشده بر بانک، خصوصاً هزینه

www.SID.ir

Archive of SID

فرصت‌های ازدست‌رفته بانک جبران نمی‌گردد. به لحاظ سرعت و سهولت نیز این راهکار به علت کندی بسیار زیاد طی مراحل دعاوی حقوقی در کشور وضعیت بسیار نامطلوبی دارد و از اساس در بسیاری موارد برای مبالغ کم اساساً پیگیری حقوقی مطالبات بانکی به‌صرفه نمی‌باشد.

واگذاری پرونده‌های خاص به شرکت‌های ساماندهی مطالبات معوق

ایجاد شرکت‌های تخصصی خارج از بانک که در حوزه وصول مطالبات معوق فعالیت می‌کنند و با خریداری پرونده‌های تسهیلاتی مشکل‌دار از شبکه بانک به صورت تنزیلی نسبت به وصول آنها اقدام کرده و منتفع می‌گردند، می‌تواند اقدامی مؤثر در حوزه مدیریت ریسک اعتباری باشد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۰-۱۷۴).

این راهکار ازآنجاکه بر اساس عقد شرعی خرید دین بنا شده است و دیون و تسهیلات مورد نظر نیز دیون واقعی هستند، به لحاظ شرعی و قانونی محدودیتی ندارد و صرفاً به یک آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی نیاز دارد؛ چراکه اصل خرید دین در ملحقات قانون عملیات بانک وارد شده است. به لحاظ بازدارندگی نیز می‌تواند راهکاری مؤثر باشد؛ چراکه مشتریان در صورت نکول در انجام تعهدات خود واگذاری پرونده به این شرکت‌ها با مجموعه‌ای تخصصی و متعهد و پیگیر مواجه خواهد شد که منافع خود را در وصول مطالبات می‌داند و تمام تلاش خود را صرف خواهد کرد؛ لذا سعی می‌کنند تا حد ممکن به‌این مرحله نرسند. به لحاظ تفکیک بین عوامل تأخیر نیز بانک باید بر اساس اطلاعات مشتریان تفکیک‌های لازم را انجام دهد و هر پرونده‌ای را وارد این مرحله ننماید؛ ولی به خودی خود این مؤلفه در این راهکار رعایت نمی‌گردد. به لحاظ جبران خسارت‌های بانک نیز در بسیاری مواقع برای بانک به‌صرفه است که پرونده‌های مشکل‌دار خود را به تنزیل حتی در بعضی موارد تا ۵۰ درصد تنزیل به شخص ثالث واگذار نماید و هم تراز عملیاتی خود را بهبود بخشد و هم بخشی از منابعی را که وصول آنها مبهم است، نقد کند. به لحاظ سهولت و آسانی نیز این راهکار برای بانک‌ها بسیار سهل و مناسب است.

www.SID.ir

Archive of SID

بازبینی قوانین و مقررات قضایی مربوط به مطالبات معوق و تسریع در رسیدگی قضایی

این راهکار نیز مانند راهکار قبل است و هرچند تحقق آن امری دشوار و نیازمند همت دستگاه قضایی و شبکه بانک است، اگر محقق شود، مشکل ریسک اعتباری کشور به میزان بسیار قابل توجهی هم از جهت بازدارندگی از تخلف و هم از جهت جبران خسارت‌های بانکی و غیره حل خواهد شد (همان، ص۱۷۲).

بازبینی قوانین و مقررات مربوط به جریمه تأخیر تأدیه و استفاده از تنبیهات مکمل

بازبینی قوانین مربوط به جریمه تأخیر امری لازم و ضروری است که به لحاظ شرعی مشکلی ندارد و به لحاظ قانونی نیز منعی برای آن نیست؛ ولی نیازمند طی مراحل قانونی است که معمولاً زمان‌بر و دشوارند. در صورت ایجاد روش‌های کاراتر قطعاً بازدارندگی از تخلف و جبران خسارت‌های بانکی بهبود خواهد یافت و تفکیک بین عوامل تأخیر نیز بهتر صورت خواهد گرفت (همان، ص۱۷۱).

تجدید نظر در قوانین مربوط به ورشکستگی

این راهکار نیز مشابه راهکار قبلی است (همان).

تشکیل دادگاه خاص جهت رسیدگی به پرونده‌های مطالبات معوق

این راهکار نیز به لحاظ شرعی و قانونی و جبران خسارت‌های بانک و تفکیک بین عوامل تأخیر و کاهش انگیزه نکول و ایجاد بازدارنگی از تخلف مطلوب است (همان)؛ ولی اجرای آن نیازمند عزم جدی دستگاه قضایی ازجهت تأمین نیرو قضات متخصص و ایجاد دادگاه‌های تخصصی است که امری دشوار و زمان‌بر است؛ ولی در صورت انجام و تسریع در امر قضایی پیگیری مطالبات بانکی در کاهش مطالبات و انگیزه‌های تخلف و جبران خسارت‌های بانک نقشی بی‌بدیل خواهد داشت.

www.SID.ir

Archive of SID

تلقی جرم از نکول

این راهکار نیز مشکل شرعی و قانونی نداشته و نیازمند فرهنگ‌سازی عمومی نسبت به پدیده نکول است که البته امری دشوار و زمان‌بر می‌باشد (همان، ص۱۷۳). متاسفانه امروزه قبح نکول و بدعهدی و عدم انجام تعهدات بانکی نه تنها امری مذموم نیست، بلکه در برخی مواقع نشانه توانایی و هنر دانسته می‌شود؛ ولی در صورت وقوع مشکل را به صورت ریشه‌ای حل خواهد نمود و در این صورت تکلیف متخلفان و از معسران به‌خوبی مشخص شده و با کاهش انگیزه تخلف خسارت‌های بانکی نیز بسیار کاهش خواهد یافت.

اصلاح دیدگاه کلان مسئولان به بانک و نداشتن نگاه مالکیتی به منابع بانکی و پذیرش دیدگاه بنگاه محور به بانک

این راهکار (Goldstein, 1996, p.57) نیز مشکل شرعی و قانونی نداشته، نیازمند فرهنگ‌سازی عمومی نسبت به منابع بانکی است. همچنین نسبت به کاهش انگیزه تخلف و تفکیک بین عوامل تأخیر مسکوت است؛ ولی از طریق جلوگیری از اعطای تسهیلات دستوری و غیرکارشناسانه مانند بسیاری تسهیلات زودبازده و غیره باعث کاهش خسارت‌های آتی بانک می‌گردد. از نظر سهولت و سرعت عملیاتی‌کردن، این راهکار چندان مطلوب نبوده، نیازمند فرهنگ‌سازی و فضاسازی بین مسئولان کشوری و اصلاح دیدگاه‌های ایشان است که معمولاً مقوله‌های از این جنس دشوار و زمان‌بر می‌باشند.

ایجاد شورای ثبات مالی

در بسیاری موارد تصمیمات بازارهای مالی بر یکدیگر سایه انداخته و اثرات مخربی بر عملکرد یکدیگر می‌گذارد؛ برای مثال افزایش نرخ سود سپرده‌ها معمولاً باعث می‌شود منابع مالی از بازارهای دیگر مانند بازار سرمایه خارج شده، به سمت این بانک بروند یا بر عکس؛ لذا لازم است یک شورای ثبات مالی جهت هماهنگی تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های مهم و اساسی بین بازارهای مالی بزرگ کشور به وجود آید (صالح‌آبادی، ۱۳۹۲).

این راهکار نیز به لحاظ شرعی و قانونی منعی نداشته، فقط نیازمند ایجاد زیرساخت لازم است و در صورت وقوع از بسیاری از مشکلات و بحران‌های مالی جلوگیری خواهد

www.SID.ir

Archive of SID

نمود. نسبت به تفکیک بین عوامل تأخیر و انگیزه تخلف مسکوت است؛ ولی از خسارت‌های احتمالی بانک‌ها جلوگیری می‌کند. اجراکردن آن نیز مقداری دشوار و زمان‌بر و مورد نیاز کل سیستم مالی کشور است.

افزایش‌ثبات در اقتصاد کلان، به منظور بهبود فضای فعالیت در بانکداری

این راهکار نیز از نظر شرعی و قانونی منعی نداشته، جزو وظایف حاکمیتی تمامی دولت‌هاست. در صورت تحقق این امر انگیزه تخلف و نکول کاهش یافته، چرخ اقتصاد بهتر به گردش در می‌آید و خسارت‌های بانکی نیز به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. در فضای مناسب اقتصادی تفکیک بین عوامل تأخیر نیز بهتر صورت می‌گیرد. تحقق این مهم قطعاً فرایندی دشوار و زمان‌بر و بلند مدت است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۷۲).

کنترل بازار غیرمتشکل پولی

فعالیت نهادهای غیرمجاز پولی به علت وجودنداشتن الزامات قانونی بانک‌ها برای این مؤسسات در بسیاری مواقع باعث ایجاد رقابت مخرب بین بانک‌ها بر سر نرخ سود سپرده‌ها و حجم تسهیلات و غیره می‌شود. این رقابت مخرب باعث می‌شود سطح ریسک کل اقتصاد به مقدار قابل توجهی بالا رود و به صورت غیرمستقیم باعث تشدید ریسک اعتباری در جامعه شود؛ زیرا با افزایش نرخ سود در جامعه نرخ تورم و نرخ تأمین مالی نیز افزایش می‌یابد و درنتیجه سبب افزایش احتمال نکول تسهیلات بانکی می‌گردد؛ لذا باید به‌طورکامل کنترل شود.

این راهکار نیز به لحاظ قانونی و شرعی منعی نداشته، جزو وظایف حاکمیتی دولت‌ها جهت حفظ ثبات جامعه است و باعث ارتقای وضعیت اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی فعال می‌گردد. همچنین نسبت به تفکیک بین عوامل تأخیر و ایجاد انگیزه مسکوت بوده و باعث جلوگیری از خسارت‌های احتمالی بانک‌ها می‌گردد؛ ولی اجرایی‌کردن آن امری دشوار است.

www.SID.ir

Archive of SID

کاهش دخالت دولتی و پرهیز از پدیده سرکوب مالی

عدم دخالت دولت در فعالیت بانک امری شرعی و قانونی است و بانک‌ها از دولت مستقل‌اند و در بسیاری مواقع که مرز این استقلال کمرنگ شده است، مشکلات عدیده‌ای ایجاد شده است. این راهکار از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و ایجاد انگیزه ساکت بوده و تحقق‌بخشی آن، امری دشوار است؛ چراکه دولت‌ها در مقابل آن مقاومت می‌کنند.

پرداخت بدهی‌های شرکت‌های دولتی به بانک‌ها توسط دولت جهت کاهش شدت مضیقه بانک‌ها

این راهکار از نظر شرعی محدودیتی ندارد؛ ولی به لحاظ قانونی در برخی موارد نیازمند صدور مجوزها و دستورالعمل‌های قانونی است که البته به علت اینکه مالک شرکت‌های دولتی خود دولت است و عمده محصولات و خدمات این شرکت‌ها در اختیار دولت قرارداده می‌شود، طی‌کردن مراحل قانونی لازم محدودیتی جدی ندارد. این راهکار از نظر تفکیک بین عوامل تأخیر و کاهش انگیزه نکول ساکت است؛ ولی باعث جبران خسارت‌های بانک‌ها می‌شود. از نظر سرعت و سهولت نیز نیازمند اخذ برخی مجوزها و انجام برخی عملیات‌های حسابداری است که در صورت وجود عزم جدی امکان‌پذیر است (همان، ص۱۷۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته مجموعه راهکارهای موجود در سیستم بانکی جهت مواجهه با عوامل کلان ریسک اعتباری برشماری شده و با استفاده از برخی راهکارهای پیشنهای تکمیل گردیدند و بر اساس معیارهای راهکار مطلوب، یعنی مجوز شرعی، مجوز قانونی، سرعت و سهولت، بازدارندگی، جبران خسارت و تفکیک بین عوامل تأخیر مورد سنجش و بررسی قرار گرفتند و درنهایت بسته مدیریتی مناسب جهت مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها ارائه گردید؛ به‌گونه‌ای‌که برای هر یک از عوامل یک یا چند راهکار متناسب با ماهیت هر عامل ارائه شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

	عامل کلان (برون‌زا)	راهکارهای برون‌سازمانی
۱	افزایش نرخ ارز	ایجاد شورای ثبات مالی/ افزایش ثبات در مؤلفه‌های اقتصاد کلان، به منظور بهبود فضای فعالیت در صنعت بانکداری/ کاهش دخالت دولتی و پرهیز از پدیده سرکوب مالی/ مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی/ کنترل هیجانت رسانه از طریق سیاست‌های رسانه‌ای و ارتقای اعتماد به بازار/ پذیرش بازار آزاد توسط شبکه رسمی بانکی/ تعدیل واقعی نرخ ارز/ استفاده از پیمان‌های دو جانبه و چند جانبه پولی/ ایجاد و توسعه مشتقات مالی ارزی
۲	افزایش تورم	افزایش ثبات در مؤلفه‌های اقتصاد کلان، به منظور بهبود فضای فعالیت در صنعت بانکداری/ مدیریت و کاهش نرخ تورم/ کنترل بازار غیر متشکل پولی
۳	فرصت سرمایه‌گذاری در بازارهای موازی	ایجاد شورای ثبات مالی/ کنترل بازار غیر متشکل پولی
۴	بالابودن نرخ سود تسهیلات	ایجاد شورای ثبات مالی/ مدیریت و کاهش نرخ تورم/ کنترل بازار غیر متشکل پولی/ مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی/ کنترل هیجانت رسانه از طریق سیاست‌های رسانه‌ای و ارتقای اعتماد به بازار/ پذیرش بازار آزاد توسط شبکه رسمی بانکی/ تعدیل واقعی نرخ ارز/ استفاده از پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه پولی/ ایجاد و توسعه مشتقات مالی ارزی

www.SID.ir

Archive of SID

۵	رکود اقتصادی	ایجاد شورای ثبات مالی/ افزایش ثبات در مؤلفه‌های اقتصاد کلان، به منظور بهبود فضای فعالیت در صنعت بانکداری/ مدیریت و کاهش نرخ تورم/ پرداخت بدهی‌های شرکت‌های دولتی به بانک‌ها توسط دولت/ مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی/ کنترل هیجانات رسانه از طریق سیاست‌های رسانه‌ای و ارتقای اعتماد به بازار/ پذیرش بازار آزاد توسط شبکه رسمی بانکی/ تعدیل واقعی نرخ ارز/ استفاده از پیمان‌های دو جانبه و چند جانبه پولی/ ایجاد و توسعه مشتقات مالی ارزی
۶	تشدید ریسک‌های سیاسی و اقتصادی	استفاده از تاخت نکول اعتباری/ استفاده از سازوکار بیمه سپرده‌ها به جهت جلوگیری از بحران‌های اجتماعی/ اصلاح دیدگاه کلان مسئولان به بانک و داشتن دیدگاه بنگاه محور به بانک/ تلقی جرم از نکول/ ایجاد شورای ثبات مالی/ کاهش دخالت دولتی و پرهیز از پدیده سرکوب مالی/ پرداخت بدهی‌های شرکت‌های دولتی به بانک‌ها توسط دولت/ کنترل بازار غیر متشکل پولی/ مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی/ کنترل هیجانت رسانه از طریق سیاست‌های رسانه‌ای و ارتقای اعتماد به بازار/ پذیرش بازار آزاد توسط شبکه رسمی بانکی/ تعدیل واقعی نرخ ارز/ استفاده از پیمان‌های دو جانبه و چند جانبه پولی/ ایجاد و توسعه مشتقات مالی ارزی
۷	عدم استقلال بانک مرکزی و برخورد تکلیفی و دستوری با مطالبات معوق	ایجاد هماهنگی کامل بین بانک‌های کشور/ اصلاح دیدگاه کلان مسئولان به بانک و داشتن دیدگاه بنگاه محور به بانک/ تلقی جرم از نکول/ کاهش دخالت دولتی و پرهیز از پدیده سرکوب مالی

www.SID.ir

Archive of SID

۸	مشکلات قانونی و قضایی پیگیری وصول مطالبات	تمدید مدت پرداخت با استفاده از راهکار مشارکت کاهنده/ جریمه دیرکرد در قالب وجه التزام/ تعزیر مالی متخلف/ واگذاری پرونده‌های خاص به شرکت‌های ساماندهی مطالبات معوق/ پیگیری حقوقی/ بازبینی قوانین و مقررات قضایی مربوط به مطالبات معوق و تسریع در رسیدگی قضایی/ بازبینی قوانین و مقررات مربوط به جریمه تأخیر تأدیه و استفاده از تنبیهات مکمل/ تلقی جرم از نکول/ تشکیل دادگاه خاص جهت رسیدگی به پرونده‌های مطالبات معوق

نوآوری تحقیق

نوآوری این تحقیق آن است که بین مسائل کمی و فنی و بومی و اسلامی تلفیقی بدیع ارائه نموده و نگاهی جامع و از ابعاد گوناگون به مسئله ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور نموده است. توضیح آنکه این تحقیق ابتدا با بررسی راهکارهای بالقوه و بالفعل موجود در نظام بانکی و همچنین با ارائه راهکارهای پیشنهادی مکمل و بررسی آنها از نظر معیارهای بومی کشور مانند شرعیت و قانونی بودن و... این اطمینان خاطر را حاصل می‌کند که خروجی آن به عنوان یک تحقیق جامع- (و نه جزءنگر و محدود به چند عامل خاص- در نظام بانکی کشور قابلیت استفاده دارد و درنهایت یک بسته مدیریتی جامع متناسب با نیازهای بومی و اقتصادی کشور ارائه می‌دهد. تأییدیه چند تن از مدیران عامل بانک‌های کشور نیز گواه این مدعاست و سطح کاربردی تحقیق را بالا می‌برد.

منابع و مآخذ

۱. آقامهدوی، اصغر و سیدمحمدمهدی موسوی؛ «ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و امکان استفاده از تاخت نکول اعتباری جهت کنترل آن»، **جستارهای اقتصادی**؛ دوره۵، ش۹، ۱۳۸۷.

۲. آهنگران، محمدرسول و فرشته ملاکریمی‌خوزانی؛ «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»، **فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی**؛ ش۴۰، ۱۳۹۰.

۳. بری‌گام، اوجین اف، لوئیس سی گاپنسکی و فیلیپ آر دی وز؛ **مدیریت مالی میانه**؛ ترجمه علی پارسائیان؛ چ۱، تهران: نشر ترمه، ۱۳۸۴.

www.SID.ir

Archive of SID

۴. خاکی، غلامرضا؛ **روش‌تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**؛ تهران: بازتاب، ۱۳۸۴.
۵. خوانساری، رسول، محمدسجاد سیاهکارزاده و مجید اصغری؛ «بررسی فقهی امکان به‌کارگیری سوآپ نکول اعتباری ورق اعتباری در مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها»، **دوفصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی**؛ س۲، ش۲، ۱۳۹۱.
۶. نظر دهمرده و زهرا کسایی؛ «ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران (۱۳۳۸-۱۳۸۶)»، **دوفصلنامه علمی‌پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران**؛ دوره ۸، ش۱۵، ۱۳۹۰.
۷. زین‌الدین، مجید و احسان ذاکرنیا؛ «بررسی عوامل تشدید ریسک اعتباری و ارائه راهکارهای مناسب جهت مدیریت بحران اعتباری در نظام بانکداری بدون ربای ایران»، **پژوهشکده مطالعات راهبردی**؛ تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۶.
۸. شعبانی، احمد و سجاد سیف‌لو؛ «مقایسه تطبیقی بانکداری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید»، **دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی**؛ ش۵، ۱۳۹۰.
۹. کاتوزیان، ناصر؛ **وقایع حقوقی**؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
۱۰. گزارش سازمان حسابرسی در خصوص وضعیت مطالبات معوق بانکی کشور، ۱۳۹۳.
۱۱. مرکز پژوهش‌های مجلس، علل بروز تورم در ایران وراه‌های کاهش و مهار آن (مروری بر مطالعات انجام شده)، کد موضوعی ۲۳۰، شماره مسلسل، ۱۲۷۹۰، گزارش کارشناسی دفتر مطالعات برنامه و بودجه بهمن ماه، ۱۳۹۱.
۱۲. مصباحی مقدم، غلامرضا، «۱۴ راهکار اساسی مبارزه با تورم در کوتاه‌مدت»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ **ربا و بانکداری اسلامی**؛ تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژادی؛ قم: مؤسسه امام علی (ع)، ۱۳۷۶.
۱۴. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»، **فصلنامه علمی- پژوهشی فقه و حقوق**؛ ش۳، س۸، ۱۳۸۶.
۱۵. موسویان، سیدعباس و محمدمهدی موسوی بیوکی؛ «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی‌از طریق سوآپ نکول اعتباری»، **فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی**؛ ش۳۳، س۹، ۱۳۸۸.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۶. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی؛ **بانکداری اسلامی مبانی نظری تجارب عملی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳.

۱۷. موسوی بجنوردی، محمد؛ «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، **مجله متین**؛ ش۱۹، ۱۳۸۲.

۱۸. نظرپور، محمدنقی، فاطمه رضایی و ایوب خزایی؛ «تاثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری‌اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ س۱۱، ش۱، ۱۳۹۰.

۱۹. نقدی، یزدان؛ «بررسی میزان اثرات ضد تورمی‌افزایش تولید در بخش‌های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی»، **مجله اقتصادی** (پژوهشگر مدیریت)؛ ۱۳۹۰.

۲۰. وحدتی‌شبیری، سیدحسن؛ «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، **فصلنامه علمی– پژوهشی اقتصاد اسلامی**؛ س۳، ش۱۲، ۱۳۸۲.

۲۱. همتی، عبدالناصر و شادی محبی‌نژاد؛ «ارزیابی تأثیر متغییرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها»، **فصلنامه علمی– پژوهشی پژوهشنامه اقتصاد**؛ ش۶، ۱۳۸۸.

22. Basel Committee on Banking Supervision; Principles for the Management of Credit Risk, 1999.

23. Bofondi, Marcello & Ropele, Tiziano; "Macroeconomic determinants of bad loans: evidence from Italian banks. 89 volumes: bank of Italy occasional peper", 2011. Available online at http://ssrn.com/abstract=1849872.

24. Christine M. Cumming & Beverly J. Hirtle; "The Challenges of Risk Management", **Diversified Financial Companies**; vol.7, no.1, 2001.

25. Fabozzi, frank J. & Anson, mark J.P.; "Credit Derivatives: Instruments, Applications and Pricing"; John Wiley & Sons, 2004.

26. Ghosh, Amit; "Banking-industry specific and regional economic determinantsnon-performing loans: Evidence from US states", **Journal of Financial Stability**; No.20, 2015.

27. Goldstein, Morris & Turner, Philip; "Banking Crises In Emerging

www.SID.ir

Archive of SID

Economies: Origins and Policy Options", BIS Economic Papers, No.46, 1996.

28. Hassan, Kabir & Lewis, Mervyn; **Handbook of Islamic banking**; Cheltenham, UK, Northampton, MA: Edward Elgar (Elgar original reference), 2007.
29. Klomp, J. and Haan, J. "Central Bank, independence and financial instability", **Journal of Financial Stability**; Volume 5, Issue 4, 2008.
30. Nursechafia, N., & Abduh, M.; "The susceptibility of Islamic banks' credit risk towards macroeconomic variables", **Journal of Islamic Finance**; 3 (1), 2014.
31. P. Louzis, Dimitrios, T. Vouldis, Angelos, L. Metaxas; "Vasilios: Macroeconomic & bank-specific determinants of non-performing loans in Greece: A comparative study of mortgage, business & consumer loan portfolios", **Journal of Banking & Finance**; No.36, 2012.
32. Ross, Stephen A., Westerfield, Randolph & Jordan, Bradford D.; **Fundamentals of corporate finance**; 10th ed., standard ed.; New York, NY: (The McGraw-Hill/Irwin series in finance, insurance & real estate), 2013.
33. Saunders, A. & Cornett, M.; **Financial Institutaions Management A risk management approach**; 8th Edition, New York, McGraw-Hill, 2011.

www.SID.ir